

بورخارد کنراد<sup>۲</sup>

مشکلات اجتماعی ناشی از دسترسی عمومی به سلاحها و نظامی شدن تمامی جمعیت بسیار است. این امر به وضوح یک اثر بی دوام و ضایع شدنی از حیطه نظامی به جنبه‌های امنیت اقتصادی و اجتماعی را روشن می‌نماید. پس از سالها جنگ داخلی و تداوم مبارزه، در واقع بازگشت به زندگی عادی شهری برای اکثریت سطوح جامعه به سختی فراهم شده است؛ به ویژه به لحاظ اینکه منابع اقتصادی نامطمئن از یک بحران فروپاشی اقتصادی خبر می‌دادند. دلالتی اسلحه وسیله و راهی برای معاش و گذران زندگی به حساب می‌آید؛ در این حالت دیگر اشکال بیکاری کمتر قابل توجه هستند. برنامه‌های ایجاد شغل، از قبیل آنچه که اخیراً توسط سازمان ملل در دره کاراتگین، طویل دره، گارم، تاجیک‌آباد، هویت و جیرگاتال صورت گرفت می‌توانند مطمئناً به بهتر شدن شرایط اشتغال کمک کند اما برای حل قطعی مشکل تکافو نمی‌کند و نمی‌توان آن را انتظار داشت.

## مقدمه

پس از پایان جنگ سرد، ماهیت و نوع بحران در جریان و نافذ در سرتاسر دنیا تغییر کرده است. در حالی که بعد از پایان سالهای ۸۰ مبارزه بین ابرقدرتها نظم جهانی را ماهیتاً تغییر داد؛ این امر اکنون به واسطه یک رشته بحرانهای محلی و منطقه‌ای غیرمنتظره و به ظاهر هرج و مرج طلبانه تغییر شکل داده و جابجا شده است. این تغییر یک چرخش همزمان را در منازعه و استفاده از تسلیحات منعکس کرده و نیز تقویت نمود. تسلیحات عالی و ممتاز معاصر به سادگی قابل حمل و نقل هستند و به واسطه تولید

1. The Problem of Small Arms and Light Weapons in Tajikistan

۲. آقای بورخارد کنراد (Burkhard Conrad) از محققان دانشگاه هامبورگ می‌باشد. این مقاله از ماهنامه *Strategic Analysis* مربوط به The Institute for Defence Studies and Analyses - IDSA در دهللی نو، نوامبر ۲۰۰۰، شماره ۸ توسط قاسم ملکی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

زیاد، در تمام دنیا پخش شده‌اند. وجود سلاح‌های کوچک و تسلیحات خطرناک منشاء حدود ۹۰ درصد تمام مرگ‌ها و خسارات در بحران‌های پدیدآمده پس از سال ۱۹۹۹ می‌باشند.<sup>(۱)</sup> ردیابی، مقابله، ممیزی و از بین بردن آنها از طریق برخورد یکباره و تند بسیار مشکل است. تاجیکستان درست نمونه‌ای از نمونه‌های بسیار است از بحرانی که در کشوری لبریز از سلاح‌های کوچک ایجاد می‌گردد. رواندا، آبخازیا، ترانسنیستر<sup>۱</sup>، چین، بوسنی، کنگو، کامبوج و کلمبیا دیگر کشورها و مناطقی می‌باشند که به ضرورت و مستقیم به واسطه غلیان و خیزش توجه همه را به خود جلب می‌نمایند.

اگرچه موضوع نقل و انتقال سلاح‌های کوچک به‌طور عمومی در سطح وسیع مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته ولی مورد تاجیکستان نسبتاً کمتر بررسی شده است. از نظر تاریخی، تاجیک‌ها علاقمندند تمامی جوامع آسیای مرکزی کمتر به تسلیحات نظامی مجهز باشند.<sup>(۲)</sup> دهه‌های اقتدار روسیه و شوروی این وضعیت را تغییر نداد. فقط پس از تهاجم اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۹ به افغانستان تاجیکستان در جهت نظامی شدن بیشتر پیش رفت. ارسال تسلیحات برای سربازان از طریق منطقه و نیز وابستگی به مبارزان تاجیک در زمان درگیری، جمعیت‌های محلی را عمیقاً تحت تأثیر قرار داد.

بحران افغانستان (۱۹۸۸-۱۹۷۹) زمینه جدی برای فاجعه‌ای شد که فروپاشی اتحاد شوروی را در آغاز دهه آخر هزاره دوم در پی داشت. بزودی پس از اعلام استقلال در سپتامبر ۱۹۹۱ آشکار شد که روند دولت‌سازی، پُراشوب و طوفانی است.<sup>(۳)</sup> رقابتها بین حزب کمونیست حاکم و جبهه مخالفان که نماینده گروه‌های منطقه‌ای گوناگون بودند به سرعت راكد شده صورت منفعل سیاسی پیدا نمودند. در نتیجه، وقتی که منازعه در مه ۱۹۹۲ به خشونت گرایید جنگ بین گروه‌های مختلف شروع شد و طولی نکشید که دو طرف خود را بسیار مسلح نمودند. می‌توان گفت که توزیع سلاح‌های کوچک و تسلیحات سبک بسیار گسترش یافت. تا

1. Transneistr

پایان جنگ رسمی در تابستان ۱۹۹۷، تاجیکستان پُراز سلاحهای گوناگون بود و همراه با همسایه‌اش افغانستان بازار منحصر به فردی از تسلیحات و مواد مخدر را تشکیل می‌دادند. این مقاله موقعیتی را که در تاجیکستان پس از امضای موافقتنامه صلح بین دولت و جبهه اپوزیسیون در ژوئن ۱۹۹۷ بروز نموده بررسی می‌نماید. این موافقتنامه در واقع نقطه پایان حالت رسمی جنگ می‌باشد. دو جنبه کلیدی از مسأله سلاحهای کوچک به‌طور تنگاتنگ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. این مباحث عبارتند از: روند خلع سلاح ناتمام مبارزان گروههای مخالف پس از امضا توافقتنامه، و به‌علاوه، رواج کنونی و جاری قاچاق تسلیحات و افزایش حجم تسلیحات در تاجیکستان و منطقه. این مقاله سعی دارد تا ماهیت مسأله سلاحهای کوچک را ریشه‌یابی کند همانطور که مفاهیم و الزامات مربوط به امنیت تاجیکستان و منطقه را تجزیه و تحلیل می‌نماید. اطلاعات مربوط به موضوع مقاله کم و محدود است و مقیاس‌ها و آمار موثق و قابل اطمینان به سختی به دست می‌آید. تحقیق در مورد موضوع این مقاله مشکل بود. بنابراین نویسنده بعضی اشارات و شاخص‌های مربوط به کانون مشکل را از طریق شرح اطلاعات در دسترس ارائه می‌دهد.

تعاریف سلاحهای کوچک و سلاحهای سبک بشمارند<sup>(۴)</sup> ولی برای تبیین هدف این مقاله، تعریف رسمی که از طرف ناتو به کار می‌رود پذیرفته شده است؛ «سلاحهایی که قابل حمل و نقل بوده و به‌طور مستقیم آتش می‌شوند، کالیبر آنها بالای ۵۰ میلی‌متر است با یک کارایی ثانویه در مقابل زره‌پوش سبک و هواپیما».<sup>(۵)</sup>

## روند خلع سلاح

توافق در مورد صلح و آشتی ملی در ژوئن ۱۹۹۷ به‌دنبال ملاقات نمایندگان دولت تاجیکستان و جبهه متحد مخالفان تاجیک<sup>۱</sup> در مارس ۱۹۹۷ در مسکو و امضای پروتکل مربوط

1. United Tajik Opposition (UTO)

به جنبه‌های نظامی صورت گرفت. تمامی احزاب و گروهها به این امر واقف بودند که کشور با چالش بزرگ مواجه است؛ از جمله جمع‌آوری و به‌دست آوردن حجم بسیاری از سلاحهای کوچک و سلاحهای سبک خارج از کنترل.

پروتکل مذکور روندی از همگرایی دوباره، خلع سلاح و انحلال نیروهای نظامی جبهه متحد مخالفان تاجیک را در چهار مرحله پیشنهاد کرد. این امر می‌بایست همزمان و به موازات اصلاحات در ساختارهای قدرت در حکومت تاجیکستان صورت گیرد.<sup>(۶)</sup> در اولین مرحله جبهه متحد مخالفان تاجیک می‌بایست جنگاوران و هواداران مسلح خود را در ده مرکز اصلی در کشور گردآوری و متمرکز نماید<sup>(۷)</sup> مراکزی که آنها مجبور بودند تا مشخصات آنها ثبت شود و از نظر پزشکی مورد معاینه قرار گیرند. به‌علاوه، آنها می‌بایست سلاحهایشان را تسلیم کنند تا به‌طور محفوظ و ایمن انبار گردند. تمام این امور می‌بایست در ظرف دو ماه پس از تشکیل کمیسیون آشتی ملی<sup>۱</sup> انجام گیرد.

طی مرحله دوم، یک ماه پس از جمع‌آوری نیروهای نظامی جبهه مخالفان، «این واحدها مبدل به واحدهای پیوسته و مرتبط با نیروهای نظامی منظم تاجیکستان می‌گردند».<sup>(۸)</sup> آنها می‌بایست سوگند یاد کنند و اونیفورم نظامی بر تن کرده اما هنوز بخشی جداگانه از ارتش به حساب می‌آمدند و نیز «مطیع و تابع مراتب فرماندهی محسوب می‌شدند».<sup>(۹)</sup> جبهه متحد مخالفان تاجیک می‌بایست انحلال تشکیلات نظامی خود را اعلام نماید. در مرحله سوم، یک دستورالعمل مشترک به کارکنان آتی نیروهای نظامی تاجیک صادر شد که در مورد مراتب، دسته، درجه و فرماندهی بود. سلامتی، رقابت و نبود سابقه جنایی از جمله شرایط برای مناسب بودن جهت ورود به جرگه نیروهای نظامی دولتی بود. آنها که به دلایلی نامناسب تشخیص داده شدند می‌بایست بازنشسته شده و به زندگی غیرنظامی بازگردند.

در مورد اجرای پروتکل مورد بحث به لحاظ گذشت شش ماه پس از اجرای سه مرحله

1. The Commission on National Reconciliation (NRC)

اول، تعریف و گزارشی ارائه شد. مرحله چهارم و آخرین آن، همگرایی کامل مبارزان سابق جبهه متحد مخالفان تاجیک با سربازان رسمی می‌بایست تا اول ژوئای ۱۹۹۸ عملی گردد. طی روند فعالیت یکپارچه و کامل ناظران هیأت اعزامی سازمان ملل در تاجیکستان<sup>۱</sup>، این ناظران جهت خلع سلاح و ایجاد حالت صلح فعال بودند.

موافقتنامه عمومی صلح و آشتی ملی به‌طور مشروط در ژوئن ۱۹۹۷ از طرف دولت تاجیکستان و جبهه متحد مخالفان تاجیک در مسکو به امضا رسید. در پی امضای این موافقتنامه، کمیسیون آشتی ملی همراه با چند کمیسیون فرعی از جمله کمیسیون مربوط به مسایل نظامی در سطوح گوناگون در پایان ژوئای تشکیل شدند و برای اولین بار پس از بازگشت سیدعبدالله نوری رهبر مخالفان در ۱۵ سپتامبر با وی ملاقات کردند. نوری به ریاست کمیسیون منصوب شده بود.<sup>(۱۰)</sup> این امر وظیفه مهم کمیسیون آشتی ملی و به‌ویژه کمیسیون فرعی آن بود که ناظر بر اجرای مفاد پروتکل در جنبه‌های نظامی باشند. انجام ترتیبات مذکور آزمایش دشواری می‌نمود. طبق برنامه زمان‌بندی شده، همگرایی مجدد تمامی امور نتوانست تا اول ژوئای ۱۹۹۸ انجام پذیرد. می‌توان گفت که بیشتر وقت مذاکرات کمیسیون صرف جنبه‌های نظامی با برخورد خوش‌بینانه گشت و ماهیت ترکیبی روند خلع سلاح به‌ویژه در مورد تاجیکستان مورد توجه قرار نگرفت. بنابراین پس از پایان اکتبر، جمع‌آوری و تعیین و شناسایی افراد مسلح جبهه متحد مخالفان تاجیک در بعضی از مراکز معین تشخیص هویت (طویل‌دره<sup>۲</sup> و دره قاراتگین<sup>۳</sup>) شروع شد.<sup>(۱۱)</sup>

اعضای هیأت اعزامی سازمان ملل به تاجیکستان «لزوماً می‌بایست بر دسترسی به اطلاعات مربوط به پرونده‌ها پافشاری می‌کردند».<sup>(۱۲)</sup> روند مذکور همراه با درگیری و مبارزه منظم بین سربازان دولتی و سربازان مرتدی که وفاداری خود را به هیچ یک از دو طرف (نه به

1. The United Nations Mission of Observers in Tajikistan (UNMOT)

2. Tavildara

3. Karategin Valley

ارتش رسمی نه به نیروهای نظامی جبهه متحد مخالفان تاجیک) اعلام نکرده بودند ادامه یافت. در یکی از این موارد، حمله به نیروهای دولتی به کشته شدن ۱۴ سرباز منجر شد و نیز حجم بسیاری از سلاحهای سبک و سنگین به سرقت رفت.<sup>(۱۳)</sup> به طور مکرر، طی این زمان فرصتهای بسیار برای دو طرف سربازان دولتی و سربازان مرتد دستگیر شده فراهم بود و بخشهایی از ارتش از بکستان از چنین شورشهایی حمایت کردند (از طریق اجازه به شورشیانی که به خاک از بکستان حمله می کردند و یا برایشان به طور پنهانی مهمات تدارک می دیدند).<sup>(۱۴)</sup> چنین اتهاماتی طی سالهای جنگ شهری و پس از آن بسیار متداول بود.

در اوایل دسامبر ۱۹۹۷، ناظران هیأت اعزامی سازمان ملل در تاجیکستان بر روند صلح، به ویژه اجرای پروتکل در مورد مباحث نظامی تأکید کردند. اختلاف بین شمار جنگاوران ثبت شده و سلاحهای برگشت داده شده و نیز یک «برنامه متغیر» متداول از ثبت نام مبارزان جبهه مخالفان<sup>(۱۵)</sup> گزارش شد. آنچه که طرح شده بود تا ظرف دو ماه از اواسط سپتامبر ۱۹۹۷ به بعد تمام شود به راحتی به سال بعد کشیده شد. بعد از آوریل ۱۹۹۸، ریاست کمیسیون آشتی ملی، سیدعبدالله نوری، اعلام نمود که تقریباً اغلب افراد از ۵۰۰۰ مبارزان مسلح جبهه متحد مخالفان تاجیک به علاوه ۵۰۰ نفر سرباز در منطقه مرزی با افغانستان (متمرکز از تابستان سال قبل) شناسایی و ثبت نام شده اند.<sup>(۱۶)</sup> جبهه متحد مخالفان تاجیک اذعان کرد رهبران نظامی محلی گرایش داشتند تا تقاضاهای خلع سلاح و ایجاد حالت صلح را نادیده انگارند و آن گروههای مسلح، که اغلب نسبت به سابق غیر قابل تشخیص بودند، منافع جناحی خود را تعقیب نموده و در نظر گرفتند. بر طبق گفته یک مقام رسمی تاجیک، مسایل معتنابهی در قبال روند همگرایی و اتحاد مجدد وجود داشت.<sup>(۱۷)</sup>

مشکلات غیر قابل درک، عمیق و متنوع بودند. اینها عبارت بودند از: پسران جوان مسلح که طی سالهای جنگ اسلحه به چنگ آورده بودند و «کسانی که طی دوران جوانی صرفاً با بحران روبرو بوده و فقط بحران را می شناختند». همچنین، به نظر می رسد سلاحها آنقدر در سطح

کشور پخش شده‌اند که افراد مسلح و مبارزان که معمولاً در مزارع و در دهکده‌ها نیز کار می‌کردند ملزم بودند به‌طور نیمه وقت نیز به مبارزه بپردازند و وضعیت غیر ثابت این امر را غیر ممکن می‌نمود تا آنها و سلاحهایشان ثبت گردند. هشدارهای مشترک مکرر از طرف حکومت و جبهه متحد مخالفان تاجیک به گروههای خاطی برای تحویل سلاحهایشان مطلقاً نادیده انگاشته شدند و به کوششهایی در جهت خلع سلاح این گروهها با توسل به زور منجر گشت. ضرب‌الاجل برای وحدت دوباره تا اول ژولای ۱۹۹۸ همراه با فعالیت بسیاری از مبارزان مسلح که هنوز ثبت‌نام نکرده بودند و آنهایی که از افغانستان تصمیم به بازگشت گرفته بودند سپری شد. (۱۸) در ارتباط با بازسازی ساختار ارتش حکومتی، رئیس‌جمهور رحمان‌اف در پایان ماه ژولای فرمانی صادر کرد و طی آن از وزارتخانه‌های امنیت و داخلی خواست تا «فهرستی از سلاحها، تجهیزات نظامی، کارتهای شناسایی نظامیان و اسنادی که به دارندگان آنها اجازه نگهداری و حمل سلاحها و مهمات را می‌دهند را تهیه نمایند». (۱۹) تنها نتیجه این فرمان اخراج از خدمت یک فرمانده نظامیان داخلی بود و آن به واسطه «اجرای نامناسب» فرمان صورت پذیرفت اما نه ثبت دقیق تسلیحات. (۲۰)

برای نمایش بردباری و تحمل تمامی این مشکلات، ناظران هیأت اعزامی سازمان ملل در تاجیکستان گزارشی را در پایان تابستان ۱۹۹۸ راجع به اجرای پروتکل نظامی انتشار دادند که در آن اظهار شده بود که «پایان اولین مرحله که تماماً با موفقیت صورت پذیرفت بسیار مشکل اجرا شد». (۲۱) بر مبنای گزارش هیأت اعزامی سازمان ملل در تاجیکستان بیشتر افراد نظامی جبهه متحد مخالفان تاجیک به مراکز نظامی دولتی معین مراجعه نکرده بودند و حتی بیش از یک سال پس از امضای موافقتنامه صلح، بعضی از فرمانهای نظامی کاملاً مورد اجرا قرار نگرفته بود. تعداد ۵۹۷۹ مخالف مبارز ثبت‌نام کردند، بر مبنای آمار منتشر شده از طرف کمیسیون آشتی ملی، فقط ۱۹۱۱ اسلحه تحویل شد که بیشتر آنها منسوخ و از کار افتاده بودند. در واقع، نسبت مخالفان مبارز به سلاحها سه به یک بود. این مقیاس پایین مسخره‌آمیز مبین واقعیت

موجود در آغاز بحران در مه ۱۹۹۲ بود، فقط طی یک ماه بیش از ۱۰۰۰۰ اسلحه (تفنگهای تهاجمی AK-۴۷، اسلحه‌های خودکار و تپانچه‌های ماکاروف<sup>۱</sup>) بین احزاب مخالف توزیع شد.<sup>(۲۲)</sup> اگرچه به نظر می‌رسید سلاحهای ثبت شده در جای امن انبار و گردآوری شده‌اند ولی به‌طور منظم توسط مبارزان مخالف جابجا شده و در انتظار عمومی حمل شدند. ناظران هیأت اعزامی سازمان ملل در تاجیکستان تأیید کردند که «شمار نهایی سلاحهای جمع‌آوری شده به‌طور روزانه تغییر می‌نماید».<sup>(۲۳)</sup> به‌وضوح، این امر کوششهایی را که جهت اجرای مرحله دوم اجرای پروتکل نظامی یعنی «ترکیب مناسب مبارزان مسلح جبهه متحد مخالفان تاجیک» در ساختارهای نظامی تاجیکستان را ضعیف نموده تحلیل برد. اوایل سال ۱۹۹۸، سازمان ملل متحد یک برنامه خرید از قبل را مورد نظر قرار داد همان‌طور که در رفع بحرانهای گوناگون در آمریکای مرکزی و آفریقا به کار گرفته شده بود. بنابراین در دسترس بودن انواع سلاحها در تاجیکستان برنامه خرید از قبل<sup>۲</sup> سلاحها را مفید ساخته بود. همان‌طور که برای تعویض سلاحهای قدیمی با سلاحهای بسیار فریبنده از پول بسیار استفاده شده بود.<sup>(۲۴)</sup> این وضعیت بسیار سخت به واسطه اعلامیه دولت تاجیکستان در اواخر سپتامبر برقرار شد و باعث افشای اقدامات غیرقانونی چندین فرمانده جبهه متحد مخالفان تاجیک مربوط به مناطق بحرانی گشت به‌طوری که مراکز کنترل غیرقانونی در جاده‌ها مستقر نموده و از غارت و دزدی جلوگیری نکنند.<sup>(۲۵)</sup>

نتایج چنین خلع سلاح ناقصی در روند صلح‌گرایی و حرکت به سوی صلح روشن شد وقتی که در ابتدای نوامبر ۱۹۹۸ حدود ۹۰۰ مبارز تاجیک زیر نظر فرمانده طاغی و عاصی محمود خود وی بردیف<sup>۳</sup> شهر خجند را تصرف کرد و مناطق شمالی تاجیکستان را محاصره نمود.<sup>(۲۶)</sup> مبارزه در این بخش از تاجیکستان برای چندروزی ادامه داشت و به واسطه پخش

1. Makarov

2. Buy back

3. Mahmud Khudoyberdiyev



تسلیحات به‌طور فوق‌العاده گسترش یافت. افراد یاغی عمداً از اسلحه در مقابل مردم محلی استفاده می‌کردند، تعداد ۲۴ تفنگهای خودکار، تپانچه و ۱۰۰۰ بسته از مهمات، که بعداً طی یک ماه از طرف نیروهای امنیتی جمع‌آوری گردید شناسایی شد.<sup>(۲۷)</sup> به‌علاوه، مقدار قابل‌ملاحظه‌ای از سلاحهای سبک از واحدهای ارتش دزدیده شدند و فقط بعدها مقدار کمی از آن کشف گردید.<sup>(۲۸)</sup> این شورش و طغیان مشکلاتی در روند صلح ایجاد نمود. نه فقط روند تجزیه جبهه متحد مخالفان تاجیک و ادغام در ساختار حکومتی به آهستگی عملی شد بلکه گروههای بزرگی از مبارزان گمنام زیر نظر و فرماندهی چندین رهبر نظامی تاجیک که به سبک رهبران سنتی نظامی افغانستان بیش از ۱۰۰۰ نفر از سربازان راهبری می‌نمودند وجود داشتند و حتی اکنون نیز وجود دارند.<sup>(۲۹)</sup> اغلب این گروهها از سرزمین کشور همسایه به‌عنوان یک مکان امن و پناهگاه استفاده می‌کردند، از قبیل شورش نوامبر ۱۹۹۸ وقتی که مبارزان خارج از ازبکستان ظاهر شدند.

با بخشودن و صرف‌نظر نمودن در رابطه با اشکال بیشتری از خلع سلاح جبهه متحد مخالفان تاجیک، پایان سال ۱۹۹۸ همراه با یاس و ناامیدی برای روند صلح بود.<sup>(۳۰)</sup> نسبت پایین اسلحه‌های تحویلی از طرف جبهه متحد مخالفان تاجیک در تابستان، همراه با ۶۲۳۸ مورد ثبت‌نام از سربازان جبهه فوق بود که فقط ۲۱۱۹ سلاح طی سال ۱۹۹۸ تحویل داده شد و این امر نسبتی در حدود ۳۴٪ را بیان می‌کند. همچنین، یک اختلاف منطقه‌ای مستعد اشتعال با مناطق لنینسکی<sup>۱</sup>، کفار نیخون<sup>۲</sup> و کاراتگین<sup>۳</sup> که به ترتیب مراتب ۴۸٪، ۳۷٪ و ۳۵٪ را به‌طور نسبی دارا بودند. منطقه کوهستانی و پرت پامیر و گورنو بدخشان<sup>۴</sup> که همیشه بیشترین مخالفان از آن منطقه بودند به‌طور نسبی فقط ۲۹٪ را شامل می‌شد که مبین فقدان همکاری منطقه‌ای رهبران جبهه متحد مخالفان تاجیک در تمامی روند صلح‌گرایی می‌باشد. بیانیه‌ها، مانند یکی از

1. Leninsky  
3. Karategin

2. Kofarnikhon  
4. Gorno Badakhshan

اظهارات نوری در پایان سال ۱۹۹۸ که حاکی از خلع سلاح کامل سربازان جبهه متحد مخالفان تاجیک طی سال ۱۹۹۹<sup>(۳۱)</sup> بود می‌توانست جاه طلبانه تلقی شود، همان‌طور که شماری از رهبران در پی دستور رهبری جبهه متحد مخالفان تاجیک از کار برکنار شدند. رحمان اف رئیس جمهور تاجیکستان سخاوتمندانه بر این امر در ماه فوریه تأکید کرد که «کسی شمار اسلحه‌ها را نمی‌داند. شما (غیرمعین، شاید اشاره به جبهه متحد مخالفان تاجیک باشد) آنها را پنهان کرده‌اید. آنچه که ثبت شده میزان بسیار کمی است».<sup>(۳۲)</sup> گزارشهای مستقل بعدی در آن سال این دیدگاه بی‌پرده و واضح در مورد به تعویق افتادن و دچار مشکل شدن روند خلع سلاح را تأیید کرد.<sup>(۳۳)</sup>

بعد از آوریل ۱۹۹۹، روند انحلال تشکیلات سربازان جبهه متحد مخالفان تاجیک (UTO) و ادغام در بخشهای نیروهای مسلح دولتی آغاز شد<sup>(۳۴)</sup> که فقط بخشهای مرحله دوم بر طبق پروتکل مربوط به موارد نظامی را شامل می‌گشت. این مربوط به تکمیل بیش از یک سال گذشته بود که همراه با مرحله دوم در واقع گواهی از موضوع انحلال می‌باشد.

تا پایان اوت ۱۹۹۹: جبهه متحد مخالفان تاجیک خلع سلاح کامل واحدهای خود را اعلام نمود و ثبت نام تیپ‌های نظامی با نفرات ۴۵۰۰ تا ۶۰۰۰ نفر برای خدمت در ارتش یا پلیس دولتی انجام شد.<sup>(۳۵)</sup> این امر بدان معناست که مرحله دوم مربوط به پروتکل نظامی سرانجام صورت پذیرفته است. جبهه متحد مخالفان تاجیک سربازان خود را وادار نمود تا هرگونه سلاح ثبت نشده را ظرف بیست روز تحویل دهد که این امر از تاریخ چهارم اوت آغاز شد.<sup>(۳۶)</sup> تجربه روند صلح حاکی بر این بود که بعید به نظر می‌رسید هر امری طبق برنامه پیش برود.<sup>(۳۷)</sup>

### قاچاق اسلحه

خلع سلاح ناقص یک بُعد از مشکل می‌باشد قاچاق اسلحه در سطح وسیع بُعد دیگر مسأله هست. این مبحث بدون آگاهی از بحران افغانستان قابل فهم نیست. انبار اولیه برای

اسلحه‌های سبک در آسیای مرکزی، افغانستان است. (۳۸) جنگ پایان‌ناپذیر افغانستان، به‌ویژه پس از تهاجم سال ۱۹۷۹ نیروهای شوروی، منشاء مشکل بزرگ کشورهای منطقه در رویارویی با سلاحهای کوچک می‌باشد. ارزش تسلیحات توزیع شده در منطقه تا سال ۱۹۹۲ (۳۹) بیش از ۸ میلیارد دلار بوده است اما فقط بخش کوچکی از سلاح‌ها به مقصد نهایی (۴۰) می‌رسند و بقیه در مسیرشان به مرزهای افغانستان و بیشتر به پاکستان می‌روند. فهرست سلاحهای مربوطه بسیار طولانی است. آن سلاحها می‌بایست به‌طور جامع و کامل فهرست می‌شدند چراکه به احتمال زیاد اکثر آن سلاحهای قاچاق در تاجیکستان یافت می‌شدند. از یک خط حمل‌ونقل مورد حمایت ایالات متحده، سلاحهای زیر در افغانستان و پاکستان در دسترس می‌بودند: سلاحهای نوع ۵۶ چینی، کلاشینکف از رومانی و آلمان شرقی، ژ-۳ آلمانی و تفنگهای خودکار ام.پی.۵، موشکهای استیگر زمین به هوا (SAMS)، موشکهای ضدتانک میلان (ATMS)، راکت‌های مین‌یاب نوع ۸۳ چینی، راکت‌های توپخانه سنگین ۱۲۲ میلی‌متری چینی و مصری. تفنگهای تهاجمی روسی‌الاصل آ.ک. ۴۷ و پیشرفته‌تر آن آ.ک. ۷۴، نارنجک‌های حمل‌شونده به‌وسیله راکت، سلاحهای مجهز به دوربین هدفگیری دشمن و دوربین‌های گمراه‌کننده از سلاحهای با درجه کارایی نه چندان خوب. تفنگهای ۲.۱۶. آ.ک. تفنگهای نیمه‌خودکار کالیکو ۹ میلی‌متری، تفنگهای وینچستر، تفنگهای یوزی، تپانچه‌های ویلی ۳۸ و دیگر انواع تفنگها. (۴۱)

طی دوران درگیری شوروی در بحرآن افغانستان، تاجیکستان اولین نفوذ جدی اسلحه‌های کوچک به عنوان ابزارهای نظامی که از مناطق شوروی به مناطق بحرانی در جنوب منتقل می‌شدند را تجربه کرد. این امر نیز در زمان عقب‌نشینی نیروهای شوروی در سال ۱۹۸۸ وقتی که مقدار معتناهی سلاح از دست رفت نیز به‌وقوع پیوست. (۴۲) با این حال، دوره اصلی برای اسلحه‌های به‌دست آمده در جمهوری تاجیکستان در واقع با نظامی شدن بحرآن در داخل کشور در مه سال ۱۹۹۲ آغاز گشت.

همان‌طور که قبلاً یادآوری شد این ماه شاید توزیع بیش از ۱۰۰۰۰ اسلحه بین مخالفان

حکومت بود. نیروهای شوروی در کشور (بیست و یکمین هنگ تفنگدار موتوریزه) و اخلاف تاجیک ک.گ.ب نیروهای ویژه را همراه با سلاحهای از رده کنار رفته به کار گرفتند.<sup>(۴۳)</sup>

نیروهای دیگر دارای تجهیزات نظامی، وزارتخانه‌ها، حوزه‌های نظامی، مراکز تحت حمایت نظامی شوروی سابق (مدارس DOSAAF) و بخشهای آموزش نظامی بودند.<sup>(۴۴)</sup> در سالهای بحران، به‌طور کلی نیروهای حکومتی اسلحه‌های خود را از سربازان روسی در کشور (به‌ویژه آنکه دو طرف علاقمند بودند سربازان خود را از بین سربازان خارج از منطقه کولاب<sup>۱</sup> در جنوب برگزینند) به‌دست می‌آوردند.<sup>(۴۵)</sup> در آغاز مبارزه، این امر سیاست رسمی مسکو نبود، اما کوششهایی نیز صورت نمی‌گرفت که آن تحولات را نیز مانع شود. اواخر سال ۱۹۹۲ بود که این حمایت ضمنی به صورت سیاست رسمی طرح شد.<sup>(۴۶)</sup> حمایت از سربازان حکومتی همچنین از طرف حکومت ازبکستان نیز به عمل آمد.<sup>(۴۷)</sup> از طرف دیگر، افغانستان منبع نیروی تسلیحاتی اصلی برای نیروهای جبهه متحد مخالفان تاجیک بود که قیمت‌های مطرح ۴۰۰ دلار برای اسلحه آ.ک.۴۷ و ۶۰۰ دلار برای یک تفنگ خودکار در سال ۱۹۹۴<sup>(۴۸)</sup> بود و پاکستان یک حمایت فعالی برای این عرضه<sup>(۴۹)</sup> آغاز نمود. فعالیتهای دوطرف به موقعیتی منجر شد که در آن تاجیکستان در تابستان ۱۹۹۷ لبریز از سلاحهایی بود که به سادگی قابل پنهان نمودن بودند و بنابراین برای استفاده در آینده پنهان شدند. جاده‌های حمل و نقل گوناگون بنیاد یافته بودند تا حمل و نقل و عرضه و تقاضا را تسهیل و تضمین نمایند. آنها امروزه هنوز اغلب مورد استفاده‌اند.

مسیرهای ویژه قاچاق اسلحه بسیار پیچیده و سخت هستند به‌طور معمول گفته می‌شود که مرز کامل تاجیکستان - افغانستان مورد تأثیر تجارت قاچاق اسلحه واقع شده و نیز با قاچاق مواد مخدر تقریباً گره خورده است.

پایه‌های اصلی جبهه متحد مخالفان تاجیک از نظر منطقه‌ای، گورنوبدخشان در جنوب شرقی کشور که کوهستانی و بسیار دوراز مرکز است می‌باشد که به‌عنوان یک جاده تجاری مشهور

گشت، به طوری که جبهه متحد مخالفان در تجارت مرزی با بازرگانان و مردم عادی در افغانستان به منظور تأمین احتیاجات خود وارد معامله و فعال شد. (۵۰)

این راههای تجاری که طی جنگ شهری به تدریج رایج شد احتمالاً به لحاظ موانع برای حمل و نقل تسلیحات و بازرسی انبارهای اسلحه که در منطقه بسیارند هنوز مورد استفاده قرار دارند. (۵۱) چون پروازهای نظامی روسی هنوز موردی برای فعالیتهای بازرگانی محسوب نمی‌گردیدند احتمالاً آن راهها مسیری جهت حمل و نقل مواد مخدر و تسلیحات در نظر گرفته می‌شدند مادام که آنها در جنگ داخلی به سر می‌بردند. (۵۲) همچنین، یک جاده حمل و نقل مواد مخدر و اسلحه از گورنو بدخشان به سمت اوش / قرقیزستان (یک مرکز منطقه‌ای بازار مواد مخدر و اسلحه) است (۵۳) یا مدیریت نسبت به مناطقی در روسیه و از آنجا به اروپا. (۵۴) وقتی که حضور نگهبانان مرزی در بخش دورافتاده پامیر در پایان سال ۱۹۹۸ کاهش پیدا کرد (۵۵) رشدی در حمل و نقل غیرقانونی مواد مخدر مشاهده شد که غیر قابل اجتناب بود. احتمالاً وضعیت در بقیه مرز تاجیک - افغان (بخش خاتلون شرقی<sup>۱</sup>) حتی بدتر از این است. برخوردها بین نگهبانان مرزی و واسطه‌ها و تجار اسلحه و مواد مخدر تقریباً هر روز اتفاق می‌افتد کسانی که تفنگداران شورشی مجهز به تفنگهای خودکار، سکوها، پرتاب موشک و دیگر سلاحهایی که در افغانستان قابل دسترسی است را در اختیار دارند. مجموعاً فقط ۲۰ درصد مرزها محافظت می‌شوند به طوری که تا شش سال قبل حدود ۸۵ درصد مرزها ناامن (۵۶) بود که وضعیت نگهبانان مرزی را بسیار سخت می‌نمود.

دنبال نمودن رد پای سلاحهایی که وارد خاک تاجیکستان می‌شود احتمالاً مشکل به نظر می‌آید. همان‌طور که خوجابایف<sup>۲</sup> اظهار می‌دارد بنابه قاعده بسیاری از سلاحهایی که برای مناطق مرزی تاجیک و ازبک در نظر گرفته شده (به ویژه در جنوب شرقی تاجیکستان و خجند و مناطق دره فرغانه) احتمالاً مبارزان نظامی مخالف دولت ازبکستان را مسلح می‌گرداند. (۵۷)

1. The Western Khatlon

2. Khodjibaev

به نظر می‌رسد خطوط ارتباطی جاده‌ای و راه‌آهن بین دوشنبه و ترمز<sup>۱</sup> در جنوب ترکمنستان به‌ویژه برای اهداف حمل و نقل مواد مخدر و قاچاق اسلحه بسیار رایج و عمومی می‌باشد. (۵۸)

درگیری و شورش پی‌درپی در مناطق مرزی شرقی و شمالی تاجیکستان یک مقیاس و نشانه‌ای بارز از این امر است که آنها منابع تأمین سلاح بسیار محکم و استوار دارند. لنین‌آباد شمالی و بخش طویل دره<sup>۲</sup> به‌ویژه بسیار سخت از قرقیزستان تأثیر پذیرفته‌اند و نیز همچنین تحت تأثیر افراد نظامی اسلامی ازبک طی تابستان و پاییز بوده‌اند. (۵۹) آنها در منطقه مرزی و کوهستانی تاجیک - قرقیز در شرق اوش و استان اوش شرقی پناه گرفتند و حملات منظم از دو سوی مرز تداوم دارد. (۶۰) فقط اخیراً آنها منطقه را به لحاظ کنترل طالبان بر افغانستان ترک کردند. (۶۱)

حتی مقامات رسمی کشور پذیرفته‌اند که شرایط نگران‌کننده‌تر شده است به‌ویژه آنکه پس از ماه نوامبر شورش و طغیان ادامه داشت. (۶۲) این فقط مثالی دیگر از گروه انقلابی می‌باشد که از ناحیه همسایه ازبکستان به سوی تاجیکستان روانه می‌باشند و در امر حمل و نقل سلاح به ازبکستان در نهایت راحتی فعالند. (۶۳)

همراه با تداوم جنگ داخلی در افغانستان، سلاحهایی که به سوی افغانستان سرازیر هستند به‌ویژه اسلحه‌های نیروهای ضدطالبان تحت فرماندهی احمدشاه مسعود تاجیک در شمال شرقی افغانستان در حال افزایش می‌باشند. تاجیکستان و روسیه در این زمینه [منابع ارسال اسلحه] بیشتر از دیگر نیروها نامبرده می‌شوند. حمل و نقل هوایی سلاحها و مهمات انجام می‌شود چنانچه تحویل تسلیحات از طریق کامیون نیز صورت می‌گیرد. (۶۴)

همچنین، بعضی از کشورهای منطقه سعی در دخالت در کشورهای آسیای مرکزی دارند تا در جهت ضعف و ناپایداری جمهوری‌های آسیای مرکزی با عرضه تجهیزات نظامی به منطقه بحرانی تأثیر گذارند همان‌طور که محموله یک قطار حامل اسلحه برای نیروهای ضدطالبان در اوش در جنوب قرقیزستان ضبط و توقیف شد. (۶۵)

1. Tarmiz

2. Tavildara

تمامی مسیرهای مذکور در بالا از طرف تجار قاچاق اسلحه و قاچاق مواد مخدر مورد استفاده قرار می‌گیرند به طوری که ۷۵ درصد مواد مخدر که از افغانستان خارج می‌شود به بخشهای مرزی غربی روانه می‌شود. (۶۶) احتمالاً این ادعا یک اغراق نیست که تجارت اسلحه و تجارت مواد مخدر در واقع یکی هستند به طوری که «تجربه نشان داده که مسیرهای قاچاق مواد مخدر در موارد بسیار همان مسیرهای قاچاق سلاحهای کوچک می‌باشند». (۶۷) تجارت مواد مخدر در منطقه پس از پایان جنگ سرد شدیداً افزایش یافت به طوری که غیر از کمک نظامی برای گروههای در حال جنگ در داخل افغانستان می‌بایست در پی دیگر منابع مالی نیز باشند. (۶۸) اما باید گفت ارائه یک تجزیه و تحلیل عمیق در مورد پیوستگی و ارتباط قاچاق مواد مخدر و اسلحه به واسطه محدودیت اطلاعات در دسترس مشکل است. مواردی مانند سپتامبر ۱۹۹۷ وقتی که یک قاچاقچی مواد مخدر نه تنها سعی در قاچاق ۱۹ کیلوگرم مواد افیونی در مرز تاجیکستان - افغانستان می‌نمود بلکه همچنین تجهیزات نظامی از قبیل موشک‌انداز و تفنگهای خودکار را به ضمیمه و به عنوان محموله‌ای اصلی قاچاق می‌کرد. (۶۹) بر طبق اظهارات رئیس جمهور تاجیکستان (رحمان اف) «هر روز» (۷۰) در حدود یک تن از مواد مخدر از طریق مرز تاجیکستان - افغانستان قاچاق می‌گردد که این میزان بخشی است که ضبط و توقیف می‌شود. به علاوه، دخالت و شرکت نگهبانان مرزی و نیز کارکنان عالیرتبه دولت در تجارت مواد مخدر گسترده است. (۷۱) قاچاق مواد مخدر و سلاحها به عنوان یک نوع درآمد ثانویه برای کارکنان نظامی با درآمد کم محسوب می‌گردد.

اما همچنین تجارت داخلی اسلحه به مقدار قابل ملاحظه و قاچاق آن در تاجیکستان رایج است. سرقت منظم سلاحها و تجهیزات از پایگاههای نظامی و ایستگاههای پلیس به این امر اضافه می‌شود. حتی سرقت سلاحهای سنگین نظیر تانک‌ها را می‌توان به تجاوزکاران تبهکار و یاغی در پستهای رسمی نسبت داد. (۷۲) شورش قبلاً یاد شده در بخش لنین آباد سرقت ۶۰۰ تفنگ عادی، ۲۸ تفنگ خودکار، در حدود ۱۰۰۰ نارنجک جنگی و تجهیزات از پایگاههای

دولتی را تأیید می‌نماید. همچنین، بخشی از این سلاحها بعداً ضبط و توقیف شد، یاغیان و نیز مردم عادی در این فرصت بخش قابل ملاحظه‌ای از سلاحها را به دست آوردند. احتمالاً بعضی از این سلاحها پس از افول شورشها به سرزمین ازبکستان برگردانده شدند. بر طبق آمارهای چاپ شده در وزارت داخلی، سرقتهای اسلحه و تجهیزات در سال ۱۹۹۸ تا ۲۸ درصد در مقایسه با سال ۱۹۹۷ افزایش یافت. (۷۳)

### نتیجه‌گیری

نمی‌توان گفت غلبه بر مسأله سلاحهای کوچک و سبک در آینده در تاجیکستان ممکن و روشن است. طی ماه ژوئن و ژولای و اوت ۱۹۹۹، ائتلاف رسمی و سربازان جبهه متحد مخالف و خلع سلاح شده برای مذاکره و کسب نتیجه نهایی به یکدیگر نزدیک شده‌اند. با این حال، ممکن است نتیجه گرفت که اجرای پروتکل مسایل نظامی باید تاکنون به‌طور نظری مورد قبول واقع شده باشد. بنابراین تفاوت بین مبارزان و سلاحهای ثبت شده نکاتی را راجع به یک شناسایی ناخواسته از مبارزان سابق شورشی برای خلع سلاح نمودن به‌طور کامل به دست می‌دهد. از طرف دیگر، قاچاق اسلحه در منطقه به موضوعات امنیتی در منطقه آسیای مرکزی به‌طور مستقیم مربوط می‌گردد.

تمامیت ارضی تاجیکستان و در سالهای اخیر تمامیت ارضی برای قرقیزستان بسیار شکننده به نظر می‌رسد. یورشها و تاخت و تازها هنوز بسیار عادی هستند، به‌ویژه در بخشهای شمالی لنین‌آباد و اطراف منطقه «گرم» جایی که سازمانهای غیردولتی زیر نظر دارند ولی فعال نیستند. (۷۴) با این حال احتمالاً دوروند ناقص خلع سلاح در پی موافقتنامه عمومی ژوئن ۱۹۹۷ و دستیابی گسترده به سلاحهای سبک برای فریب SAMS (۷۵) از راه حمل و نقل بسیار قاچاق با تجارت گسترده مواد مخدر در کشور و در منطقه به یک بازگشت سریع به موقعیتی باثبات منجر نخواهد شد.



مشکلات اجتماعی ناشی از دسترسی عمومی به سلاحها و نظامی شدن تمامی جمعیت بسیار است. این امر به وضوح یک اثر بی دوام و ضایع شدنی از حیطة نظامی به جنبه های امنیت اقتصادی و اجتماعی را روشن می نماید. پس از سالها جنگ داخلی و تداوم مبارزه، در واقع بازگشت به زندگی عادی شهری برای اکثریت سطوح جامعه به سختی فراهم شده است؛ به ویژه به لحاظ اینکه منابع اقتصادی نامطئن از یک بحران فروپاشی اقتصادی خبر می دادند. دلالی اسلحه وسیله و راهی برای معاش و گذران زندگی به حساب می آید؛ در این حالت دیگر اشکال بیکاری کمتر قابل توجه هستند. (۷۶)

برنامه های ایجاد شغل، از قبیل آنچه که اخیراً توسط سازمان ملل در دره کاراتگین، طویل دره، گارم، تاجیک آباد، هویت<sup>۱</sup> و جیرگاتال<sup>۲</sup> صورت گرفت می توانند مطمئناً به بهتر شدن شرایط اشتغال کمک کند اما برای حل قطعی مشکل تکافو نمی کند و نمی توان آن را انتظار داشت. (۷۷)

حل بحرانهای منطقه ای از قبیل بحران افغانستان می توانند آثار مثبت و آثار منفی در وضعیت نقل و انتقال اسلحه های کوچک در منطقه داشته باشد. اگر روشهای حل بحران به کار گرفته شده بودند و منجر به کاهش شدید شمار سلاحها شده بود می توانست به احتمال زیاد کاهش کشت تریاک و کاهش حجم تجارت مواد مخدر را نیز به دنبال داشته باشد و از تداوم آن حمایت کند. با این حال، در آن زمان این رشد احتمالاً به یک افزایش در حمل و نقل اسلحه های مازاد منجر شد، یک مشخصه عمومی از سلاحهای کوچک در موقعیت بحرانی گذشته و «کارکنان مازاد» خارج از افغانستان در همدستی با مناطق از قبیل تاجیکستان. (۷۸)

شواهدی وجود دارند که این امر قبلاً اتفاق افتاده است. شورش نوامبر ۱۹۹۸ در شمال کشور مثالی از این رشد می باشد. در حدود ۳۰۰ سرباز مزدور از افغانستان در طغیان شرکت داشتند که احتمالاً از اطراف مزار شریف وارد خاک ازبکستان شده بودند. (۷۹) شایعاتی نیز

1. Hoit

2. Jirgatal

هستند که مبارزان تاجیک پس از پایان جنگ داخلی در تاجیکستان در شورش داغستان شرکت داشتند.<sup>(۸۰)</sup> این امر در مورد یک تحرک در حال افزایش نه تنها در رابطه با سلاحهای کوچک و سبک بلکه در مورد مبارزانی که قادر نیستند یک جامعه صلح آمیز را دوباره سروسامان دهند صادق است. کشورهای متأثر از این امر در منطقه می بایست از عهده این نبود کنترل در مورد اینکه چه کسانی و چه کالاهایی وارد سرزمینهایشان می شوند بر آیند.

وضعیت مرتبط با سلاحهای سبک و کوچک در تاجیکستان آشکار کرد که چنین مسایلی صرفاً یک مسأله محلی نیستند بلکه می توانند مفاهیم و مشکلات قابل ملاحظه‌ای برای یک منطقه سالم به حساب آیند. اثر بی ثبات نمودن حاصل از این مسایل در وضعیت جدید پدید آمده در کشورهای همسایه ازبکستان و قرقیزستان قابل رؤیت است. لذا آن موضوعات نه تنها یک مسأله برای امنیت نظامی است بلکه به شدت این امر در بخشهای اجتماعی و نیز جنبه‌های امنیت اقتصادی تأثیر مستقیم دارد. یک راه حل این مشکل باید تمامی جهات از جمله این جنبه‌های امنیتی را در بر گیرد اگر چنانچه نقل و انتقال اسلحه‌های کوچک و خلع سلاح در قرن بیست و یکم موضوع مهم و تکراری امنیتی<sup>۱</sup> تمامی منطقه تلقی نگردد.

## یادداشت‌ها

1. Cf. S. Rana, *Small Arms and Intra - State Conflicts*, United Nations Institute for Disarmament Research, Research Paper No.34, March 1995, (1995), p.1.
2. Cf. K.Khodjibaev (1999), «Small Arms Proliferation and Social Militarisation in Tajikistan», *Central Asia Monitor*, No.3, (1999), p.25ff, I am grateful to Roy Allison for making me aware of this article.
3. For an overview over the first years of the conflict, cf. for example J. Thoni (1994), *The Tajik Conflict: The Dialectic Between Internal Fragmentation and External*

1. The Security Leitmotif

- Vulnerability*, Programme for Strategic and International Security Studies Occasional Paper No.3/1994. Also Johannes Reissner (1998), «Der Bürgerkrieg in Tadschikistan», in Heinrich - W. Krummwiede/Peter Waldmann, *Burgekke: Folgen und Regulierungsmöglichkeiten*, (Baden- Baden: 1998), pp.268-293.
4. The best sources are probably A. Karp (1995), «Small Arms- The New Major Weapons», and M.T.Klare (1995), «The Global Trade in Light Weapons» and the International System in the Post-Cold War Era, both in J.Boutwell/M.T. Klare/L.W. Reed (ed), *Lethal Commerce - The Global Trade in Small Arms and Light Weapons*, (Cambridge: American Academy of Arts and Sciences, MA 1995). Also T. Kubler/P. Schneider, *Kleinwaffen- Neue Herausforderungen für die Rüstungskontrollpolitik*, Research Unit of Wars, Armament and Development, (University of Hamburg: Working Paper Nr.3/1998).
5. T. Kartha, Light Weapons Proliferation And Regional Instability in Central Asia, *Strategic Analysis*, Vol.XIX, No.9, (1996) pp.1278/9.
6. *Protocol on Military Issues*, The text of the document is available at <<http://www.soros.org/tajik/tajkinvo.htm>>
7. These are Vanj, Garm, Jirgatal, Komsomolabad, Kofaringan, Russian, Tavildara and Tajikabad districts, Khorog and Magmurud in the Lenin district.
8. *Protocol on Military Issues*, Cf. n.6.
9. *Protocol on Military Issues*, Cf. endnote 6.
10. UNMOT Newsletter No.1, September 15-29, 1997, available from <<http://www.soros.org/tajik/unmot.html>>.
11. UNMOT Newsletter No.4, October 27-November 10, 1997.
12. UNMOT Newsletter No.4.
13. Cf. Summary of World Broadcasts (SWB), SU/3055 G/1, Voice of the Islamic Republic of Iran and ITAR-TASS, «Final casualty toll from presidential guard attack reporter», August 17, 1997.
14. Cf. SWB, SU 3061 G/12, ITAR-TASS, «Part of Uzbek military leadership allegedly backed Tajik rebels», January 1, 1997.

15. UNMOT Newsletter, No.7, December 9-22, 1997.
16. REF/RL, «Tajikistan: Armed Forces Demobilise», April 24, 1998. According to a Tajik official about 4000 opposition fighters had been registered by May 2, 1998, being some 90 per cent of the total. Cf. SWB, Su/3216 G/3, Interfax, «Over 90 per cent of opposition fighters registered», April 29, 1998.
17. RFE/RL, «Tajikistan: Armed Forces Demobilise», April 22, 1998. Also relevant in the following.
18. Cf. SWB, SU 3268 G/1, RIA, «Return of opposition fighters from Afghanistan begins», July 1, 1998.
19. SWB, SU/3290 G/1, ITAR - TASS, «President Rahmonov issues decree on law and order in the army», July 24, 1998.
20. SWB, SU/3310 G/2, Ekho Moskvyy, «President Rahmonov sacks Internal Troops commander», August 18, 1998.
21. UNMOT Newsletter 23, August 5-20, 1998.
22. Cf. Khodjibaev, «Small Arms Proliferation and Social Militarisation in Tajikistan», n.2, p.26.
23. Cf. n.16. Partly printed bold in the original.
24. RFE/RL, «Tajikistan: Armed Forces Demobilise», April 22, 1998.
25. SWB, SU/3343 G/1, Tajik Radio First Programme, «Authorities accuse opposition groups of violating peace accord», September 24, 1998.
26. SWB, SU/ 3376 G/1, Interfax and ITAR - TASS, «Rebel commander's gunmen seize strategic buildings in second city», November 4, 1998.
27. SWB, SU/ 3390 G/3, ITAR-TASS, «Security forces continue mopping - up operations in north», November 19, 1998.
28. SWB, SU/3456 G/1, *Narodnaya Gazeta*, «Law - enforcement bodies detain a number of men involved in revolt in north», January 29, 1999. More details concerning thefts of arms in the «Arms trafficking» section.

29. According to his own statement, Khudoyberdiyev commanded at the end of 1998 some 5,000 fighters, SWB, SU/3377 G/2, NTV, «Rebel commander calls for talks», November 4, 1998.
30. Cf. UNMOT Newsletter n.30, December 1998. These figures are to be treated cautiously as UNMOT acknowledges.
31. SWB, SU/3420 G/3, Interfax, «Islamic opposition to disband armed forces inside Tajikistan in 1999», December 28, 1998.
32. SWB, SU/3456 G/1, Tajik Radio first programme, «President Rahmonov criticises law-enforcement agencies for slow pace of work», February 9, 1999.
33. For example RFE/RL, «Tajikistan: Failure to Implement the Peace Accord Leads to Instability», March 3, 1999.
34. SWB, SU/3516 G/3, «Tajik Television First Channel, «About 500 opposition fighters integrated into government forces», April 19, 1999.
35. RFE/RL, «Demilitarisation, referendum preparations on track in Tajikistan», July 29, 1999.
36. SWB, SU/3607 G/2, NTV, Opposition Says Farewell to arms, August 4, 1999.
37. Cf. RFE/RL, «Tajikistan Seeks Resolution of Uzbek Fugitive Issue, August 26, 1999.
38. Kartha, n.5; p.1279.
39. Ibid.
40. According to Rahman, only 30 percent of the weaponry reached the front-line, R.Rahman, «The Illicit Flow of Small Arms in South Asia», *Disarmament: A Periodical by the United Nations*, Vol.XX, Part 2/3, (1997) p.81.
41. Relevant in the following C.Smith, «Light Weapons and Ethnic Conflict in South Asia», in: Boutwell/Klare/Reed (eds.), *Lethal Commerce*, 1995, pp.61-80.
42. Khodjibaev, n.2, p.26.
43. I.B Neumann/S.V.Solodovnik (1995), «Russian and CIS peace enforcement in Tajikistan». Obtained from <www.nupi.no.>
44. Cf. Khodjibaev, n.2, p.26.

45. Cf. R. Allison, «Peace Keeping in the Soviet Successor States», Chaillot Paper 18, Institute for Security Studies, (Western European Union: 1994), p.10.
46. Jonson, «The Tajik War: A Challenge to Russian Policy», Discussion Paper 74, (London: The Royal Institute of International Affairs, 1998), p.8f.
47. Jonson, n.46, p.35.
48. Interview with Alesha Gorbun at December 7, 1994, in: *Literaturnaya Gazeta*, January 25, 1995. Obtained from <www.nisat.org>
49. Cf. J.Singh, «Light Weapons and Conflict in Southern Asia», in: J.Singh (ed.), *Light Weapons and International Security*, (New Delhi: Indian Pugwash Society and British American Security Information Council, 1995), p.54.
50. Neumann/Solodovnik, «Russian and CIS peace enforcement in Tajikistan. «Cf. footnote 42.
51. SWB, SU/3141 G2, ITAR-TASS, «Russian guards uncover arms dump on Tajik-Afghan border», February 2, 1998.
52. Kartha, n.5, 1285. For today's situation cf. RFE/RL, «Pact Likely to Bring Mixed Results», April 8, 1999.
53. Kartha, n.5, p.1285.
54. Cf. RFE/RL, «Pact Likely to Bring Mixed Results», April 8, 1999.
55. SWB, SU/3372 G/1, Radio Russia, «Russia to cut back its border patrols in Tajikistan because of financial problems», October 29, 1998. Border outposts in the Murghob (border to China and Vakhani region of Afghanistan) and Ishkoshim (border to Afghanistan) border area are closed down due to lack of money.
56. Cf. Jonson, n.46, p.53.
57. Khodjibaev, n.2, p.27. Bands of armed rebels are said to maintain training camps in the Dzhizak Region of Uzbekistan. SWB, SU/3382 G/1, ITAR-TASS, «Captured rebels say Afghans, Uzbeks involved in revolt», November 11, 1998.
58. SWB, SU/3528 G/4, Tajik Radio first programme, «Tajik and Uzbek police seize large consignment of drugs heading for Russia», May 4, 1999.

59. SWB, SU/3609 G/2, ITAR- TASS, «Security stepped up on Kyrgyz border», August 7, 1999 and AP, «Troops, Gummens Clash in Kyrgyzstan», August 26, 1999.
60. BBC News, «World: Asia - Pacific Analysis: Central Asia's enduring quarrel», August 17, 1999.
61. ITAR-TASS, «Uzbek Islamists deported from Tajikistan», November 9, 1999.
62. SWB, SU/3466 G/4+5, Tajik Radio first programme, President «Rahmonov visits north of republic to raise revenue, crack down on crime», February 20, 1999.
63. SWB, SU/3376 G/1, Interfax and ITAR-TASS, «Rebel commander's gunmen seize strategic buildings in second city», November 4, 1998.
64. Kartha, «Tools of Terror-Light Weapons and India's Security», (New Delhi: *Knowledge World*, 1999) p.83, and SWB, SU/3350 G/1, Radio Voice of Shari'ah, «Afghan Teleban warn Tajikistan not to interfere», November 1998. This is a Taliban source.
65. SWB, SU/3377 G/4, ITAR-TASS, «US concerned over Iranian arms to Afganistan», November 4, 1998.
66. Esp. Shurabad, Muminabad and Pyani districts. Cf. International Narcotics Control Strategy Report 1998. Source: <www.state.gov>
67. R.E. Bedeski/A. Andersen/S. Darnosumarto, «Small Arms Trade and Proliferation in East Asia: Southeast Asia and the Russian Far East», Working Paper No.24, Institute of International Relations, The University of British Columbia, September 1998, p.42.
68. Kartha, n.64, p.70.
69. SWB, SU/3015 G/1, ITAR-TASS, «Russian border guards kill alleged drug smuggler on Tajik border», September 3, 1997.
70. SWB, SU/3436 G/1+2, ITAR-TASS, «President Rahmonov says more must be done to tackle drugs problem», January 15, 1999. Cf. also, «Russian Guards Seize 100 Kilos of Heroin on Tajik Border», *Russia Today*, August 2, 1999.
71. SWB, SU/3547, ITAR-TASS, «Russian border guard chief says transfer of some sections to Tajiks not working», May 27, 1999. Even the opposition leader and chairman of the National Reconciliation Commission Nuri has been accused of being involved in the drug business. Cf. SWB, SU/3562 G/2, ITAR-TASS, «Opposition hits out at Uzbek media attacks on its leders», June 14, 1999.

72. SWB, SU/3055 G/1, Voice of the Islamic Republic of Iran and ITAR-TASS, «Final casualty toll from presidential guard attack reported», August 17, 1997.
73. SWB, SU/3438 G/1+2, ITAR-TASS, «Big increase in armed and drugs-related crime in 1998», January 1, 1999. The number of drug-related crime in Dushanbe rose by 90 per cent in 1998, *ibid*.
74. According to an anonymous source.
75. According to some sources, the Uzbek Islamic rebels who infiltrated Kyrgyzstan in August have six Stinger-missiles in their possession. BBC 92399, «Uzbeks Mass Troops Along Kyrgyz Border», September 23,1999.
76. The militants who were involved in hostage-taking in Kyrgyzstan only recently were given a ransom of money and food. SWB, SU/3618 G/3, Interfax, «Official confirms air strikes against Tajik rebels», August 17, 1999.
77. Interim report of the Secretary - General on the situation in Tajikistan, August 12,1999. Obtained at <[www.refliefweb.int](http://www.refliefweb.int)>
78. Cf. Khodjibaev, n.2, p.28 and T.Kartha, Proliferation and Smuggling of Light Weapons in the Asia-Pacific Region», *Strategic Analysis*, p.1493, Vol.XXI, Part 10, (1998).
79. SWB, SU/3382 G/1, ITAR-TASS, «Captured rebels say Afghans, Uzbeks involved in revolt», November 11, 1998.
8. ITAR-TASS, «Tajikistan denies its citizens are involved in Daghestan», August 12,1999, and ITAR-TASS, «Russian embassy unaware of Tajik rebel movement to Chechnya», November 12,1999.